

پیام

سوئیس

اسماعیل محشور

به بهانه ی :

پیام

یک تعداد اعضای حزب وطن ، هواداران و طرفداران سیاست مصالحه ملی

مقیم اروپا

بمناسبت پانزدهمین سال رحلت داکتر نجیب بزرگ

نبود فزیک و هست معنوی

نوای زنده گانی نرم خیز است

میارا بزم در ساحل که آنجا

که حیات جاودان اندر ستیز است

بدریا غلط و با موجش در اویز

هم میهنان و جوانان دلیر و از سر گذشته ی میهن !

اینک ما و شما و همه آزادی دوستان و خرد گرایان گیتی در پانزدهمین سال سکوت
پرارج و فرشته مانند بزرگ مرد تاریخ پشین افغانستان (داکتر نجیب) این نجیب ترین ،
مدبر ترین ، آگاه ترین ، دلاور ترین ، سر سپرده ترین ، مردم و میهن پرست ترین و سر
انجام حماسه آفرین ترین انقلابی میهن پر افتخار مان سوگوار هستیم .

نه ! ما هرگز سوگوار نیستیم ما از آن حماسه آفرین کبیر به نیکی و با مباحات یاد
میکنیم و مییا موزیم . آری ! گرچه نبود او نه تنها که درد آور است و میدانیم که جای
خالی اش را کسی پر کرده نمیتواند ولی درس ها و پامردی هایش گرانها تر و پر
ارزش تر از آنست .

دوستان و وطنداران ارجمند ! پیرامون کارها و پیکارهای انقلابی ، روشنگرانه و
مدبرانه ی دکتور عزیز ما فراوان سخن سرایی و قلم فرسایی شده است و هم چنان قلم
بدستان شریف و متعهد ما و بیرونی هادرین گستره ، فراوان کاوش و پژوهش نموده اند .
من نمیتوانم درین پیام کوتاه دریا را در پیاله بگنجانم ، ولی میخواهم که تنها تداعی گر

خاطرات محدود آن بزرگ مرد آهنین عزم باشم ، که بر حق میتوان او را ابر مرد تاریخ سده های پسین میهن بنامیم . کسی که اهرمن استعمار و ارتجاع سیاه در پایان سده ی پار از ما ربود، درین زودی ها حتی در دهه ها وسده ها ماندنش را مام میهن در آغوش نخواهد گرفت. آری دشمنان مکار و محیل دور و نزدیک، با شیطنتی که دارند میدانستند که ((نجیب)) در آینده پر کننده ی خلای قدرتی خواهد بود که بود و نبود میهن به آن بستگی خواهد داشت، از همین رو پیش از آنکه این خلا را بمیان آورند پر کننده ی آنرا شیادانه ، نامردانه ، محیلانه و بزدلانه از میان برداشتند .

از همینرو اینک دهسال میشود که بخاطر نبود رهبر آگاه ، مدبر ، شجاع و سیاستدان، میهن ما در زیر پاشنه های سهمگین بیگانگان از درد و رنج تجاوز ضجه میکشد و با وجود امکانات با لقوه برای رشد و پیشرفت بسوی ویرانی روان است و همچنان نفاق و فصل شدن در میان مردم ما بیداد میکند .

باری در آستانه برآمدن قوای شوروی در سال ۱۳۶۸ خورشیدی که میهن و مردم ما در از مونگاه خطیری قرار گرفته بودند ، دستان توانای ((نجیب)) این رهبر بیمانند ماو شما و همه آزادیخواهان میهن، سکان کشتی را در اختیار گرفته و مردم را در دفاع از ناموس و تمامیت ارضی مام میهن چنان رهنمون شد که دوست و دشمن را حیران و شگفت زده ساخته همه خواب ها و خیال های طلایی دشمنان را نقش بر آب ساخت .

من و شما و همه مردم ما بیاد داریم و همین حالا هم آن ندای رسا و پر ابهت نجیب بزرگ در گوش های ما نطنین انداز است که در آستانه ی ((دفاع مستقلانه از ناموس مام میهن)) مردانه سرود که :

بیا بیا که فضا گرد کاینات شویم	کارزوی بزرگ است و این جهان تنگ است
برای حلقه ی مردان روزگار نوین	حیات بی تپش و خفته ، مایه ی ننگ است
فضای کشور افغان و روح سرکش من	دو پاسبان نبرد و دو سنگر جنگ است
سرم ز مشت حوادث فرو نمیاید	سر مبارزه سر نیست صخره ی سنگ است
ز تار های دلم شور خلق میخیزد	چه خوش هنر به هنر مند خود هماهنگ است
گمان مبر که من از کارزار خسته شدم	که هستی جرس از فیض شورش زنگ است

هم میهنان پاک سرشت ! امروزه همه مردم افغانستان و مردمان واقع بین گیتی به نیکی درک میکنند که پیشنهادات و طرح های داهیهانه ی داکتر نجیب همه جانبه صادقانه، واقع بینانه و عملی بود . همه بشمول دشمنان اقرار کرده و میکنند که دشمنی با ((نجیب)) دشمنی با نجابت و حقیقت بود .

((نجیب)) این ((منصور)) پایان سده ی بیست ، درس های قابل فراگیری از خود بجا مانده است که همه میهن و مردم دوستان باید از آن ها بیاموزند ، با دقت بیاموزند و راه درخشانش را تابان تر نگهدارند .

در فرجام ، من درحالی که سر تعظیم و حرمت خود را به پیشگاه روان این یل سرفراز میهن فرود میاورم از همه هم میهنان میخوام تادر جای پای ((نجیب)) که بی گمان راه وطن و خلق دوستی است پا بگذارند تا باشد که میهن و مردم ما ازین همه بربادی و ویرانی رهایی یابند .

پیرامون کار نامه های ابر مرد تاریخ معاصر افغانستان گفتنی های زیادی دارم که در نوشته های جداگانه : ((خاطرات زندان ها ، میارزه مشترک و ...)) پیشکش خواهم کرد و رسانه ها آنرا بازتاب خواهند داد .

روان پالوده و منزه ((نجیب)) و همه خدمت گاران صدیق میهن و مردم ما شاد باد !

اسماعیل محشور ((میهن فدا))